۲.برچسب زنی جزئیات

راه دیگر که شاید قوی تر باشد از نظر کار و الان هم که مدیریت اطلاعات می کنند در این دستگاه های امروزی، هردو تای آن را اعمال میکنند-برای خود من بعضی از این نرم افزار هایی که سایت ها را مدیریت می کنند، محسوس است که دو راه اعمال میکنند- یکی همین که تقسیم بندی کلی می کنند و به دست طرف می دهند و می گویند از این کلیات برو. اطلاعات خودت را پخش کن هرچه داری از اول نگاه کن. فرعت را نگاه کن و بگو این مربوط به صلاه است و باب رکوع است و برو در بخش فلان بگذار. از طریق کلی برو جای فرعت را پیدا کن. این یک راه است و خوب است. ولی یک راه دیگر است که خیلی پرباز تر است و انجام می دهند. می گویند یک عنصر، فرع را میخش را بکوب نه اینکه میخ کلّی را بکوب و ببین این فرع را کجا باید جا بدهی. شما اول به عنوان یک عنصر علمی، حقوقی، فقهی فرعت را اینجا بگذار و بعد شروع کن ببین چند چیز می تواند مربوط به این فرع باشد. برچسب زنی کن. لیبل گذاری[1] کن.کلید واژه[2] بگذار و امثال این طور چیز ها که خیلی تنوع دارد[3].

من گمانم این است که این راه از نظر کاری قوی تر است و اگر بشود فقه را الان با این امکاناتی که هست این طوری که عرض کردم سَرَد فروعاتش بشود یعنی کل فروعات به تفصیل یک علامت خاص بخورد و معلوم بشود. آخر کار در نهایت خیلی کار قوی ای می شود. این غیر از کلیات است.

عرض کنم که عرضه فروعات فقهی در گذشته سخت بوده است، ولی الان به این نحوی که عرض کردم خیلی راحت شده است و من هم به خاطر این که امروزه این ها را دارد، عرض می کنم. شما فرض بگیری کلّ فقه، صد هزار فرع دارد -الان رساله هایی که خیلی فروعات دارد پنج هزار بیشتر ندارد خیلی هم که گسترده باشد- این صدهزار فرع به این نحوی که از پایین به بالا بروی هر فرعی را هرچه مربوط به آن می شود برای آن برچسب گذاری می کنید بعداً کلّ اینها به نحو های مختلف دسته بندی می شود یعنی به راحتی می توانید کتاب الحمل و کتاب المکره و... را معین کنید. هرچه که از این ها گرفتید دسته بندی های خاص خودش را سریع انجام می دهید. مقدلین هر دسته ای از اطلاعات را از شما بخواهند فوری کلّ آن را تحت اختیارش قرار میدهید.

برچسب زنی؛ تنظیم هندسه فقه

اگر ما این طور از پایین بروی بالا –آن طوری از بالا به پایین می روی-فرع را که نمی توانی از آن وحیت خودش دور کنی و این یک مطلبی است. ببینید همین فرع را در کتاب الطهاره آورده اند و عین همین را در کتاب اطعمه و اشربه آورده اند. یک مثال که یادم است مثلا خونی که در بدن گوسفند می ماند خوردنش جایز است یا نه؟ یکی در کتاب الطهاره می آورند از باب اینکه پاک است یا نجس و کنارش هم راجع به خوردنش میگویند. همین را در کتاب اطعمه و اشربه می آورند و راجع به خوردنش می گویند. و جالب هم این است که فتوا ها فرق میکند و یک جایش می گویند نخوردی و یک جای دیگر می گویند مانعی ندارد بخوردی. خب خالصه خونی که در بدن گوسفند مانده است بخوری یا نه؟ این خودش یک فرع است و وحیتی دارد برای خودش؛ چه در کتاب الطهاره بیاوردی و چه در اطعمه و اشربه بیاوردی،این هست. تا شما به آن برچسب های مختلف بزنید.

خب اگر این طور باشد در نهایت این فروعات هستند که جای کلیات را و نقشه را ترسیم جدید می‌کنند. به عبارت دیگر آن فضا شناسی، آن نقشه‌ی فقه را فروعات می چینند نه این که کلیات را از اول بچینند بعد ما آن‌ها را جا بدهیم.

هندسه فقه، اگر از پایین به بالا برویم هندسه ای می شود که فروعات، می شود پایه ی کار و کلیّات و نزدیکی‌شان به یکدیگر، از دل اشتراک ِخود فروعات برآمده است، نه این که ما یک تقسیمی بکنیم و با زور هرکدام از این ها را در ذیل آن قرار بدهیم.

لیست عنوانین کلی: پیش نیاز برچسب زنی

[4]

راه‌کارش این است که ذهن محقق را، ناظر را لیست بدهید.این از چیزهایی است که من از قبل ذهنم بود که این طور کاری را بکنند.حالا می گویند منو.منو در رستوران می گویید. شما می گویید این فرع را دیدی؟ حالا به این لیست ما نگاه کن.در لیست ما سی تا چهل تا چیز است. اگر این لیست ما را ندیده بود می گفت این فرع، مربوط به سه جا است ولی می گوید این لیست من را نگاه کن.

[5]

نه در نهایت کلی قرار نگرفت، آن چیزی که محور کار بود.شما وقتی کلّی دسته بندی می کنید

آخرش نیاز به یک درخت ندارید؟ خلاصه باید از یک جایی، یک نودی (node)[6]بزنید. خیلی جاها هست که موضوعاتی دارید نمی دانید در کجای درخت آن را جای بدهید. شما اگر کار کرده باشید می بینید که اصلاً متحیر می شوید.

خب وقتی می خواهید برچسب بزنید که متحیر نیستید. شما راحت جلو می روید، سی تا چهل تا ده تا، برچسب می زنید تا در درازمدت خود ِآن کلیاتی که اصلا در ذهن شما نبود بعدا می بینید این ها استنطاق می شود.این راه خیلی بهتر است.علی ای حال کسانی که خواستید، در درازمدت این راه خیلی قوی تر و بهتر از کلی به جزئی رفتن است.

ثمره دسته بندی:تشکیل حوزه های فقهی

[7]

این خیلی حرف خوبی است ، یعنی درست است که فقه، همین است. اما اگر ما دسته بندی کتب فقه را روی یک مبادی حکیمانه ی نفس الأمری سامان بدهیم، فقه ما می شود حوزه ، حوزه های نفس

الأمری ؛نه صرفاً یک تقسیم بندی همین طوری و اذا استنباط اش ، روش استنباط اش ، نگاه کردن به منابع ، تأسیس اصلش همه تفاوت می کنند. در عبادات، شما یک طور تأسیس اصل می کنید و در معاملات یک طور دیگر تأسیس اصل می کنید.

---

[1] تگ در سیستم‌های اطلاعاتی، نوعی از فراداده و در واقع، اصطلاح ای کلیدواژه‌ای است که به بخشی از اطلاعات (مانند آدرس یک وبسایت، یک تصویر دیجیتالی ای یک فایل کامپیوتر) اختصاص داده می‌شود تا توضیحی اضافی به آن بیفزاید. این نوع فراداده اطلاعات اضافه‌ای برای یک موجودیت اطلاعاتی فراهم می‌کند و اجازه می‌دهد بتوان دوباره آن موجودیت را از طریق جستجو پیدا کرد. تگ‌ها معمولاً به‌طور غیررسمی و شخصی، توسط سازنده‌آیتم ای بیننده‌آن (بستگی به سیستم دارد) انتخاب و اختصاص داده می‌شوند.(سایت ویکی پدیا)

[2] کلیدواژه به انگلیسی: Keyword به کلماتی گفته می‌شود که از متنی طولانی استخراج شده و در بسامدی بالا و البته غیر اتفاقی گویای موضوعات مهم آن متن می‌باشد. توصیه می‌شود از کلمات خاص متن که اشاره به شخص، مکان و موضوعی منحصر به فرد است استفاده شود. کلیدواژه‌ها معمولاً برای متون علمی، تخصصی و خبر به کار می‌رود.(همان)

[3] طراحی بالا به پایین و پایین به بالا به انگلیسی: Top-down and bottom-up design هر دو استراتژی‌هایی در پردازش اطلاعات و مرتب‌سازی کارها و اطلاعات هستند که در زمینه‌های مختلفی چون نرم‌افزار، رفتارشناسی انسانی و تئوری‌های علمی و مدیریت و سازمان‌دهی کاربرد دارند. قابلیت استفاده در تکنیک ریختن و فکر کردن و مدیریت در هر پروژه ای را دارا می‌باشند

یک روش بالا به پایین (که گاهی به عنوان طراحی گام به گام از آن نام‌برده می‌شود ای در مواردی هم ارزا با تجزیه به کار می‌رود)، اساساً یک سیستم را به اجزای کوچکتر خود می‌شکند تا بتواند از وضعیت زیرسیستم‌های آن با استفاده از یک روش مهندسی بازگشتی اطلاع کسب کند. در روش بالا به پایین یک دید شمای کلی از سیستم در دسترس است ولی نه به عنوانی که این طرح کلی با جزئیات کامل باشد؛ لذا هر زیر سیستمی به ما اطلاعات جامع تر و کاملتری را می‌دهد و گاهی برای درک ساختار یک سیستم باید تعداد واردجزئیات و ساختار تعدادی زیادی از زیرسیستم‌های آن بشویم تا بتوانیم به شناخت خوبی از جزئیات سیستم اصلی برسیم.

روش پایین به بالا بر اساس بنا کردن و ساختن اجزای کوچک سیستم و سپس ادغام آن‌ها برای ساختن سیستمی پیچیده‌تر است. پردازش پایین به بالا یک مدل از پردازش اطلاعات است که بر اساس داده‌های ورودی از محیط برای شکلدادن یک ادراک است. از دید روان‌شناسی ادراکی (cognitive psychology perspective)، اطلاعات از طریق چشم (ورودی سنسوری ای دکمه مربوط) به ما می‌رسد و سپس تبدیل به تصویری برای مغز می‌شود که قابلیت تفسیر و درک کردن به عنوان یک ادراک را دارد. در روش پایین به بالا برای درک کلی سیستم ابتدا به بررسی جزئیات تک تک ساده‌ترین و پایه‌ترین مولفه‌های سیستم می‌پردازیم و سپس به وسیله آن‌ها به سیستم بالاتر از آن می‌رسیم. این مولفه‌های کوچکتر به همدیگر به منظور تشکیل یک زیرسیستم بزرگتر متصل می‌شوند. ممکن است برای همین زیرسیستم‌های بزرگتر این مرحله یک یا چند بار تکرار شود تا زمانی که بالاترین سطح سیستم شکل خود را بگیرد. این استراتژی را می‌توان مشابه مدل «بذر» در نظر گرفت. به منظور که در شروع همه چیز کوچک است و اما به مرور همواره پیچیده‌تر و کامل تر می‌شود.(همان)

[4] اشکال یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

[5] اشکال یکی از دوستان حاضر در جلسه

[6] اصطلاحی در برنامه نویسی.نود(node)در زبان انگلیسی به معنای گره است.

[7] کلام یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مارس 2025 17:30:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مارس 2025 17:32:28 توسط ... .